

خبر

حسن خمینی: همه باید باشند

● **جهران**:سیدحسن خمینی ضمن بیان اینکه «آنچه که امام و رهبر انقلاب تأکید دارند، تکیه بر توان داخلی است که شامل «خرد» است»، یادآور شد: «وقتی امام فرمودند «ملت ایران که جانم فدای تکتک آنها باد»، شوخی نکردند. هر چه هست، متعلق به مردم است و «مه» باید باشند».
حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در تجدید میثاق نمایندگان مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: بعد از امام هم‌ الحمدلله رهبری معظم انقلاب تا امروز پرچمدار این انقلاب بوده‌اند و این وحدت با ارکانش بازم در جامعه‌ما باید توامان و مورد تأکید باشد. اما یک سؤالی مطرح است که اگر این مقدار ما به وحدت ناکیم می‌کنیم، پس چرا بزرگی مثل امام که خودشان این مقدار تأکید دارند، می‌گویند که نقد و بلکه تخطئه از الطاف خفیه الهی است؟ اگر باید همه با هم یکی و همدل باشیم و پشت سر رهبر حرکت کنیم که باید این‌گونه باشد، پس تضارب اندیشه‌ها، افکار، آرا چیست؟ وی ادامه داد: اینجااست که می‌توان نقبی زد به یکی از مباحث مهمی که در اندیشه دینی وجود دارد و آن بحث «وحدت در عین کثرت» و «کثرت در عین وحدت» است. ما متعدد هستیم و متفاوت فکر می‌کنیم اما در یک نقطای باید همراه باشیم. وی یادآور شد: امروز جامعه ما دستخوش مشکلات بسیار زیادی است و پررنگ‌ترین آنها بحث معیشت است. فکرها متفاوت است و بیشترین نقش را هم بعد از دولت، نمایندگان مجلس دارند. اندیشه، فکر و کار کارشناسی شما باید به یک جمع‌بندی برسد که عصاره تفکر، خرد و بهترین نتیجه ممکن را بشود از این فضا گرفت. وی اظهار کرد: امروز شجاعت در تصمیم‌گیری، ندیدن کسی جز خدا، استفاده از همه اندیشه‌ها و با هم بودن امری ضروری است. وقتی امام فرمودند: «ملت ایران که جانم فدای تکتک آنها باد»، شوخی نکردند. هر چه هست، متعلق به مردم است و «همه» باید دلیل باشند. انقلاب را مردم به وجود آورده‌اند و همه باید باشند.

دبیر کل حزب اعتماد ملی
در نامه‌ای خطاب به رئیس دستگاه قضا
دستور تجدید رسیدگی به جرائم متهمان سیاسی را صادر کند
● شرق: دبیر کل حزب اعتماد ملی در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه بابت آزادی کیوان صمیمی تذکر کرد. دوازدهم بهمن بود که خبر آزادی کیوان صمیمی روزنامه‌نگار فعال ملی مذهبی از زندان منتشر شد. مصطفی نبلی وکیل او در توئیتش نوشت: «با توجه به گزارش پزشکی قانونی درمورد وضعیت جسمانی کیوان صمیمی با دستور دادستان و مستند به ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری اجرای حکم ایشان متوقف و موقتا از زندان آزاد شدند».
پیش از این الیاس حضرتی در نامه‌ای خطاب به حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران با اشاره به وضعیت کیوان صمیمی‌بهبانی و درخواست بررسی پرونده وی با حضور هیئت منصفه و به صورت علنی نوشته بود: جناب محسنی اژه‌ای اخیرا در مسیر ایجاد تحول و تعالی در قوه قضائیه با همت شما اقداماتی در حال انجام است که امیدواری به تحقق عدالت را افزون کرده است. او همچنین در پایان نامه‌خود نوشته بود: «دبیرکل حزب اعتماد ملی در پایان این نامه خواهان اصلاح روند تبدیل جرم سیاسی به جرم امنیتی و محاکمه متهمان سیاسی در دادگاه‌های خاص، تجدید رسیدگی به جرائم متهمان سیاسی بر اساس قانون جرم سیاسی، در نظر گرفتن تخفیفات جدی و فراهم‌کردن زمینه آزادی زندانیان سیاسی و همچنین برخورداری این زندانیان از امکانات و حقوقشان در زندان شد».
حال الیاس حضرتی در نامه‌ای جدید ضمن تشکر از رئیس دستگاه قضا نوشته است: «در خیرها خولدم که حکم آزادی موقت جناب آقای کیوان صمیمی‌بهبانی از سوی قوه قضائیه صادر شده است. از آنجا که اینجناب در نامه مورخ سوم بهمن ماه به حضرتعالی، خواستار آزادی این فعال سیاسی شده بودم. این اقدام قوه قضائیه را توجمه به مطالبات منطقی و معقول سیاسی، دلسوزان و خیرخواهان تلقی می‌کنم ووظیفه خود می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از شما به خاطر انجام این اقدام خیر ابراز کنم». او همچنین در پایان نامه خود نوشته است «بیشتر از سر خیرخواهی برای شما نوشته بودم که «جنابعالی می‌توانید دستور تجدید رسیدگی به جرائم متهمان سیاسی را براساس قانون جرم سیاسی صادر کنید، یا با درنظرگرفتن تخفیفات جدی، زمینه آزادی آنان را فراهم آورید. در هر صورت دستور دهید همت این دست از زندانیان مادامی که در زندان هستند، از همه امکانات حقوقی برخوردار باشند که قانون برای زندانیان سیاسی درنظر گرفته است.امیدوارم با دستور صریح جنابعالی در این زمینه کام بزرگی برای تعالی وضعیت قضائی کشور برداشته شود». لازم به توضیح است کیوان صمیمی که سابقه زندان قبل از انقلاب و حوادث ۸۸ را دارد، در روز چهارشنبه ۱۱ دیبهشت ۱۳۹۸ هم‌زمان با روز جهانی کارگر در تجمعی که در جلوی مجلس شکل گرفته بود، به همراه تعدادی دیگر دستگیر و روز دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۸ به‌طور موقت آزاد شد. صمیمی در خرداد ۱۳۹۹ به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» به تحمل سه سال زندان محکوم شد و در مرداد ۱۳۹۹ این حکم را تأیید کرد. او در واکنش به تأیید حکم سه سال زندان گفته است «هیچ‌وقت از گفتن حق منصرف نشده‌ام و پس از کشیدن این سه سال هم چنانچه زنده بمانم، منصرف نخواهم شد».

شرق: تصویر تکراری این سال‌ها از دیدار رؤسای جمهور با مردم، معمولا این‌گونه است؛ رئیس‌جمهور در یک خودرویی رویارو در میان خیسل جمعیت یک شهر در حال پاسخ به ابراز احساسات آنان است. اما در حاشیه این مراسم، هستند مردمانی که با نامه‌ای در دست به‌دنبال مسئول مربوطه می‌دوند تا مشکل خود را به گوش آنان برسانند و دردی را دوا کنند. نامه‌نگاری به رئیس‌جمهور، موضوعی چنان زیاد و فراگیر است که در سال ۹۰ و اوج سفرهای استانی احمدی‌نژاد، فیلمی با عنوان «گیرنده» با بازی «سعید راد» درباره آن ساخته شد؛ اما ماجرا از آنجا پیچیده و تلخ می‌شود که اعلام شد در دولت ابراهیم رئیسی تعداد این نامه‌ها به ۱۶ برابر رسیده و ۳۳ درصد این نامه‌ها به خاطر درخواست پول برای گذران زندگی بوده است. براساس آماري که روزنامه فرهيختگان منتشر کرده، ۳۳/۵ مردم در این نامه‌ها تقاضای مساعدت مالی، ۲۵ درصد تسهیلات بانکی و ۱۱/۵ درصد تقاضای کار داشته‌اند.
تعداد نامه نیز در هر استان تفاوت معناداری دارد؛ در استان خوزستان حدود هزارو ۴۵۵ نامه و در استان خراسان جنوبی حدود دوهزارو ۹۰۰ نامه به ابراهیم رئیسی نوشته شده اما مردم استان کهگیلویه و بویراحمد حدود ۷۹ هزارو ۷۰۰ نامه و مردم لرستان حدود ۱۱۹ هزار نامه نوشته‌اند که نشان می‌دهد استان‌های فقیرتر بیشتر نامه‌نگاری کرده‌اند و مطالبات بیشتری دارند. روند نامه‌نگاری به رؤسای دولت از زمان محمود احمدی‌نژاد شدت گرفت و به یک امر روتین در سفرهای او بدل شد. شخص ابراهیم رئیسی هم معمولا از روند نامه‌نویسی استقبال کرده است، مثلا در اواخر آبان که به استان زنجان سفر کرده بود، در جمع اعضای تعاونی‌ها که در مسیر فروگاه تجمع کرده بودند، به آنها گفته بود همه نامه‌ها و مطالبات خود را به همراهان رئیس‌جمهوری تحویل دهند تا مسائل پیگیری و رفع شود.
اوایل دیماه بود که رئیس مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری اعلام

کرد که در هر سفر استانی ابراهیم رئیسی بین ۲۰ تا ۱۰۰ هزار نامه نوشته می‌شود و خواسته بود که مردم این نامه‌ها را به‌صورت الکترونیکی و در سامانه ۱۱۱ ثبت کنند. اتفاق عجیبی که در زمان احمدی‌نژاد باب شد این بود که دولت در جواب هر نامه مقداری پول برای فرستنده ارسال می‌کرد. در سال ۸۶ اعلام شد براساس نامه‌های مردمی، کمیته امداد امام خمینی(ره)، ۱۰۰ میلیارد تومان کمک مالی کرده است. رئیس دولت آن زمان، ۹۹ سفر استانی انجام داد که بنا بر اطلاعات مختلفی که داده شد، بین ۲۳ تا ۳۵ میلیون نامه به نهاد ریاست‌جمهوری رسیده بود. در اواخر آبان که به استان زنجان سفر کرده بود، جالب آنکه نهاد ریاست‌جمهوری اعلام کرده بود که بعد از هدفمندسازی یارانه‌ها تعداد این نامه‌ها به یک‌سوم کاهش یافت که نشان می‌دهد مقدار نامه‌های ارسالی برای مساعدت مالی با دوره ابراهیم رئیسی تقریبا یکسان است.

سیاست



یک سوم نامه‌های مردم به رئیس دولت برای درخواست مالی است

نامه‌نگاری از سر ناچاری

روایت ابطحی از ملاقات‌های مردمی خاتمی

تلاش برای تغییر

دی‌ماه سال ۹۲، تازه حسن روحانی به ریاست‌جمهوری رسیده بود که محمد شریعتمداری، معاون آن روزهای رئیس‌جمهور، خبر داد که بنا داریم فرهنگ صدور نامه و جمع‌شدن یک عده نامه‌نویس در حوالی نقاطی را که دولت حضور می‌یابد، تغییر دهیم. او گفته بود معمولا متن این نامه‌ها کلیشه‌ای است و عنوان مشابهی دارد و در آنها تقاضاهای مشترک و مشابهی ذکر می‌شود. هرچند سامانه‌ای نیز برای نوشتن الکترونیکی نامه تعبیه شد اما بازم مردم نامه‌نگاری دستی را ترجیح می‌دهند؛ حتی یک بار در جریان سفر روحانی به استان کرمانشاه شایعه شده بود که کاغذ و خودکار در مغازه‌های اطراف محل تحویل نامه‌ها تمام شده است. مرداد ۹۴، حسن روحانی به ماجرای نامه‌های ارسالی توسط مردم واکنش داشت و گفته بود: «مدیران اجرایی کشور باید رسیدگی به

محمدعلی ابطحی: خاتمی از اینکه ملاقات‌های مردمی او رسانه‌ای شده ناراحت شد

نیستند، در آن زمان هم معمولا امکانات مالی مانند وسایل منزل می‌خواستند. در گوشه و کنار این نامه‌نگاری‌ها معمولا گروه‌هایی هم هستند که از مردم پول مطالبه می‌کنند تا برای آنها نامه بنویسند.
کا یاد همست در دولت آقای خاتمی که فیلم آن را هم تلویزیون پخش کرد، ایشان در دفترشان نشسته بودند و به‌صورت تلفنی با برخی از مردم صحبت می‌کردند و آنها هم دغدغه خود را می‌گفتند...
آن را ما تدارک دیدیم که هر دو هفته یک بار، انتهایی که در نامه‌های خود تقاضای ملاقات کرده بودند با آقای خاتمی صحبت کنند. ایشان نیز مانند زمانی که با وزرا ملاقات داشتند دو ساعت از زمان خود را برای این کار در نظر می‌گرفت. مردم هم بدون واسطه با رئیس‌جمهور دیدار و صحبت می‌کردند و درخواست‌های خود را می‌گفتند. یک بار هم طراحی کردیم که آقای خاتمی به‌صورت تلفنی با مخاطبان صحبت کنند. آن ملاقات تلفنی هم تنها باری بود که طراحی کردیم و آقای خاتمی با مخاطب صحبت کرد، مردم هم با ایشان سلام و احوال‌پرسی می‌کردند و درخواست‌های خود را می‌گفتند، هم‌زمان هم گروهی پای دستگاه‌ها نشسته بودند و درخواست‌ها را یادداشت می‌کردند.

کا این روند در تمام هشت سال ریاست‌جمهوری ایشان ادامه پیدا کرد؟
بله، هر دو هفته یک بار ادامه پیدا کرد. در همان اوایل هم که این ملاقات‌ها را رسانه‌ای کردیم، آقای خاتمی خیلی ناراحت شد.

درخواست‌های مردم را در صدر برنامه‌های خود قرار دهند و حتی از درخواست و مطالبه‌ای خارج از مقدرات دولت است. با ذکر دلیل و منطق بیان شود که چرا دولت قادر به انجام خواسته آنان نیست».
باین‌حال بسیاری از رسانه‌های منتقد دولت نیز برخلاف دوران احمدی‌نژاد که ازدحام مردم برای رساندن نامه به دست رئیس دولت را با اشتیاق پوشش می‌دادند، ناگهان ورق برگشت و این شایعات مطرح شد که نامه‌های مردم کم می‌شود و حتی گفته شد برخی نامه‌ها در سفر استانی به آذربایجان غربی را پاره کرده‌اند. همان شد که معاون سیاسی و امنیتی استاندار این موضوع را تکذیب کرد و گفت انتشار تصاویر ساختگی پاره‌کردن نامه‌های مردمی به رئیس‌جمهوری در فضای مجازی بی‌اخلاقی و توهین به شعور و فرهنگ مردم استان است. حتی برخی نیز تلاش می‌کردند مطالبات مردمی را براساس خواسته خود نشان دهند. در گزارشی تصویر چند نفر که نامه‌های خود را در دست داشتند نشان داده شد که در نامه‌ها این درخواست‌ها نوشته شده بود: «عزتمان حفظ شود»، «به آمریکاییان اجازه خودنمایی ندهند»، یا «جوانان بی‌کارند ایجاد اشتغال‌زایی». آنها همچنین از رئیس‌جمهور انتظار داشتند شخصا نامه‌های آنان را بخواند و پاسخ بدهد که مشخص است با توجه به گرفتاری‌های خاص رئیس دولت، هیچ رئیس‌جمهوری چنین وقت و زمانی ندارد. اینکه چرا تعداد نامه به رئیس‌جمهور دوباره افزایش یافته است، نیاز به واکاوی دقیق دارد؛ چرا که دستگاه‌های اجرایی وظیفه خود را به‌خوبی انجام نمی‌دهند که مردم متوسل به مقامات بالادستی می‌شوند یا اصولا مگر نظام دیوان‌سالاری و بوروکراسی در کشور وجود ندارد که فرد به‌جای مراجعه به سازمان‌های مربوطه مثل شهرداری، فرمانداری و استانداری، نامیدانه تصمیم می‌گیرد که مشکل خود را با نفر اول دولت در میان بگذارد و آیا اصولا برخی مشکلات مثل بیدارکردن شغل یا تأمین مسکن ... در حیطه اختیارات رئیس دولت است؟

نکیردا مشکل در مدیریت عزت‌گسرا زمانی بحرانی‌تر

می‌شود که افراد به مرور موضوعات مختلفی را برابر با عزت بداندند؛ مثلا نوع نشستن یا استقبال طرف مقابل خود را نوعی از توهین به عزت خود برداشت کنند. در این موقعیت است که اعضای «جامع عزت» وارد تقابل‌ها و حتی نزاع‌های غیرضروری می‌شوند، هرچند خلاف منافع و اهداف آنها باشد. مانند کتک خوردن از فرد قوی‌تری که دشنام داده است! این مشکل البته می‌تواند ابزار دست کسی باشد که تمایل دارد شما را مدیریت کند. او به‌سادگی می‌تواند با یک رفتار ساده و نوعی از خدشه‌دارکردن عزت شما، شما را به سمت واکنشی که دوست دارد پیش ببرد. در حقیقت مدیریت عزت‌گرا، به‌سادگی بازی می‌خورد، به‌سادگی وارد مشاجره‌های غیرضروری می‌شود و به‌سادگی اهداف و منافع بلندمدت خود را قربانی یک عزت لحظه‌ای، گذرا و بدون منفعت می‌کند.

اولویت‌دهی، نه فراموشی!
حتما مدیریت عزت‌گرا هم دوست دارد به اهداف برسد، همان اندازه که مدیریت هدف‌گرا دوست دارد تا عزتش نشکند؛ اما پرسش زمانی است که در تعارض میان این دو تا چه اندازه حاضر هستید از توهین‌های کوچک برای اهداف بزرگتان بگذرید یا برعکس! فرهنگ حکمرانی در ایران را می‌توان یکی از نمونه‌های «فرهنگ عزت» دانست؛ فرهنگی که در آن پر است از تحلیل‌هایی که «منفعت‌ملی» در پیشگاه «عزت» قربانی همیشگی است. به این ترتیب در بلندمدت نه‌تنها منافع ملی‌مان دورتر و دورتر می‌شود؛ بلکه هر مسئله کوچکی که احساس کنیم عزتمان را هدف گرفته است، تبدیل می‌شود به هیاهویی با هیچ منفعت ملی! اگر هدف توسعه و رفاه جامعه است، می‌شود ماشین را کمی جلوتر هم پارک کرد. نیاز به مشاجره نیست؛ که عزت یادآور توسعه‌یافتگی ایران است.

ببینید؛ من حتی در کشور ثروتمندی مثل امارات هم دیدم که مردم از مسئولان آنجا درخواست داشتند و معمولا فردی به‌دنبال آن مسئول بود که به مردم پول می‌داد. به‌هرحال درخواست پول از یک مقام قدرتمند مثل شاهان و صاحبان نفوذ یک اتفاق معمول محسوب می‌شود.

کدخدایی: امام(ره) هیچ‌گاه حضور مردم را در صحنه سیاسی تشریفاتی نمی‌دانست

محمدرضاشاه عنوان کرد و گفت: در آن زمان مردم و نمایندگان بسیار مقاومت می‌کنند، اما مدتی بعد همان نمایندگان در تمجید از این جدایی سخن می‌گفتند. رئیس پژوهشکده شورای نگهبان درباره خاطرات اسدالله علم، وزیر دربار پهلوی، درباره چگونگی جدایی بحرین از ایران گفت: طبق این اظهارات، با اینکه شاه به دنبال این بود که بحرین و سه جزیره را حفظ کند، اما پس از مدتی و بلافاصله بعد از ملاقات با سفیر انگلیس نظرش تغییر کرد و به مجلس فرمان داده شد و مجلس هم تحت همین شرایط از جدایی بحرین از ایران حمایت کرد و نهادهای آن روز نیز هیچ‌گونه اثری به‌منظور دفاع از حقوق مردم ایران نداشتند.

کدخدایی ادامه داد: امام از همان ابتدا در پاریس هنگامی‌که از نهضت اسلامی صحبت می‌کند و هنگامی که از ایشان سؤال می‌شود نظام سیاسی شما چیست و چگونه می‌خواهید انقلاب را پیش ببرید، تأکید کردند این نظام بر پایه جمهوری و اسلامیت خواهد بود و آن را با حضور و پشتیبانی مردم پیش خواهیم برد. کدخدایی افزود: امام را حال حتی هنگامی که بحث شکل‌گیری قانون اساسی مطرح می‌شود و با وجود اینکه هنگامی که از ایشان سؤال می‌شود نظام سیاسی شما چیست و چگونه می‌خواهید انقلاب را پیش ببرید، تأکید کردند این نظام بر پایه جمهوری و اسلامیت خواهد بود و آن را با حضور و پشتیبانی مردم پیش خواهیم برد. کدخدایی افزود: امام را حال حتی هنگامی که بحث شکل‌گیری قانون اساسی مطرح می‌شود و با وجود اینکه برخی از بزرگان در آن زمان معتقد بودند بررسی و نظر عده‌ای کارشناس می‌تواند کافی باشد و نباید نیازی به همه‌پرسی نباشد، نگاه آن را به همه‌پرسی مورد تأکید قرار دادند و این نگاه از رهبر دینی و سیاسی است که بسیار ارزشمند است.

ادامه از صفحه اول

عزت زیاد و توسعه برباد

۲- شما احساس ناخرسندی دارید که زیر بار حرف زور رفته‌اید، احساس می‌کنید که به عزت نفستان برخوردده است، اما شما به‌سادگی به هدفتان که خرید سوغ بوع بود است می‌رسید. اگر گزینه یک را انتخاب کنید، شما بیش از هدفتان به عزتتان بهما داده‌اید؛ نوعی از «مدیریت عزت‌گرا» و اگر گزینه دو را انتخاب کنید یعنی رسیدن به هدف برایتان مهم است؛ حتی اگر کمی از آن عزت را نادیده گرفته باشد؛ نوعی از «مدیریت هدف‌گرا».
فرهنگ عزت:
کوهن و نسبیت، آزمایش‌هایی را ترتیب دادند که کم‌وبیش شرایطی مشابه با شرایط بالا را ایجاد می‌کرد. در حقیقت فرد قوی‌هیکلی به فرد آزمایش‌شونده یک توهین جزئی می‌کند. فرد آزمایش‌شونده که دشنام یا زور می‌شود، می‌تواند با صبوری وضعیت را مدیریت کند؛ اما برخی از افراد (حتی وقتی احتمال می‌دهند کتک بخورند) در مقابل این رفتار، تمایل به مشاجره با درگیر دارند. چون احساس می‌کنند عزتشان بر باد رفته است، پڑهوش‌های بعدی نشان داد که رفتار افراد تابعی از فرهنگ جامعه آنان است. در حقیقت در «فرهنگ عزت، افراد عزت را بیش از اهداف ارجحیت می‌دهند، مدیریت عزت‌گرا به عزت بیش از اهداف کلانش اهمیت می‌دهد؛ به این ترتیب او هر روز درگیر هر موضوعی می‌شود که احساس عزت او را قلقلک کند؛ و به این ترتیب او مدام اهدافش را در برابر عزتش از دست می‌دهد.

اهداف بلندمدت قربانی عزت‌های کوتاه‌مدت!
مشکل مدیریت عزت‌گرا از جایی آغاز می‌شود که او آن‌قدر درگیر عزت می‌شود که از اهداف دور می‌شود. به این ترتیب پس از مدتی او یکی‌یکی اهداف را از دست می‌دهد و به مرور تبدیل به فردی ضعیف می‌شود؛ همان ضعیفی که همه عزتش را یکجا بر باد می‌دهد!
اسا مدیریت هدف‌گرا گاه برخی از حساسیت‌های عزت را نادیده می‌گیرد تا قوی شود؛ آن‌قدر قوی که کسی دیگر جسارت توهین به او را نداشته باشد؛ آن‌قدر قوی که کسی عزت او را به بازی نگیرد! مشکل در مدیریت عزت‌گسرا زمانی بحرانی‌تر می‌شود که افراد به مرور موضوعات مختلفی را برابر با عزت بداندند؛ مثلا نوع نشستن یا استقبال طرف مقابل خود را نوعی از توهین به عزت خود برداشت کنند. در این موقعیت است که اعضای «جامع عزت» وارد تقابل‌ها و حتی نزاع‌های غیرضروری می‌شوند، هرچند خلاف منافع و اهداف آنها باشد. مانند کتک خوردن از فرد قوی‌تری که دشنام داده است! این مشکل البته می‌تواند ابزار دست کسی باشد که تمایل دارد شما را مدیریت کند. او به‌سادگی می‌تواند با یک رفتار ساده و نوعی از خدشه‌دارکردن عزت شما، شما را به سمت واکنشی که دوست دارد پیش ببرد. در حقیقت مدیریت عزت‌گرا، به‌سادگی بازی می‌خورد، به‌سادگی وارد مشاجره‌های غیرضروری می‌شود و به‌سادگی اهداف و منافع بلندمدت خود را قربانی یک عزت لحظه‌ای، گذرا و بدون منفعت می‌کند.

اولویت‌دهی، نه فراموشی!
حتما مدیریت عزت‌گرا هم دوست دارد به اهداف برسد، همان اندازه که مدیریت هدف‌گرا دوست دارد تا عزتش نشکند؛ اما پرسش زمانی است که در تعارض میان این دو تا چه اندازه حاضر هستید از توهین‌های کوچک برای اهداف بزرگتان بگذرید یا برعکس! فرهنگ حکمرانی در ایران را می‌توان یکی از نمونه‌های «فرهنگ عزت» دانست؛ فرهنگی که در آن پر است از تحلیل‌هایی که «منفعت‌ملی» در پیشگاه «عزت» قربانی همیشگی است. به این ترتیب در بلندمدت نه‌تنها منافع ملی‌مان دورتر و دورتر می‌شود؛ بلکه هر مسئله کوچکی که احساس کنیم عزتمان را هدف گرفته است، تبدیل می‌شود به هیاهویی با هیچ منفعت ملی! اگر هدف توسعه و رفاه جامعه است، می‌شود ماشین را کمی جلوتر هم پارک کرد. نیاز به مشاجره نیست؛ که عزت یادآور توسعه‌یافتگی ایران است.

در شرایط انبساط پولی نیستیم!

ناگفته نماند که اخذ وام در نظام بانکی ایران کاری بسیار دشوار و سبب آسیب به اعصاب و روان است، حجم قابل توجهی از متقاضیان در ابتدا یا میانه راه و گاه در اواخر مسیر از آن منصرف می‌شوند. بنابراین دیدهی است که مراحل اخذ وام به موضوعات لازم و ضروری تسهیل شود و نظام بانکی را به مبنای شناخت و احتمال خوش‌حسابی اانه راه دهد. البته نباید اجازه دهد که وام‌ستانی ویژه‌خوراری شود. خیلی عجیب است که دولت در بوده‌چه سال آینده از یک سو درآمدهای مالیاتی خود را به‌شدت افزایش دهد و از سوی دیگر حجم بالایی برای فروش اوراق قرضه در نظر گرفته است تا بخشی از کسر بودجه را جبران کند، این دو سیاست به مفهوم اجرای سیاست انقباضی اعم از مالی و پولی در کشور است. این تناقض، یعنی اجرای هم‌زمان سیاست انبساطی و انقباضی، در سیاست‌گذاری‌های علمی باب نیست. دولت‌ها با تصمیم می‌گیرند که سیاست انبساطی را اجرا کنند و از مهار تورم برای مدتی صرف‌نظر کنند یا رشد سرمایه‌گذاری‌ها به کاهش بی‌کاری بپردازند یا از طریق اجرای سیاست انقباضی بر عکس عمل کنند و نسبت به رفع بی‌کاری در بازه زمانی کوتاه بی‌تفاوت شوند و از رشد تورم -در طول زمان مورد نظر- بگذرند. از آنجا که هدف حوزه‌های اقتصاد کلان با همدیگر در ارتباط هستند و موزج عمل نمی‌کنند، نمی‌توان گفت در بعضی حوزه‌ها می‌توان انبساطی عمل کرد و در بعضی حوزه‌ها انقباضی؛ البته در عمل، اجرای سیاست متناقض ممکن است و این تناقض فلسفی نیست که نشدنی باشد.

ادامه در صفحه ۴